

Subject: A Final Respectful Appeal Concerning Iran and a Peaceful American Victory

Dear Mr. President,

I am honored, encouraged, and deeply grateful that—despite the immense responsibilities of your office—you have taken the time to read and consider the views of those among your MAGA supporters who write to you in good faith and with sincere respect.

With the utmost respect, this letter represents our final direct appeal to you regarding what we have consistently described—over the past twenty years—not as demands, but as two fundamental requests.

Out of respect for your office and for your record, I deliberately avoid the word “demand.” A man who has ended eight wars deserves to be addressed with restraint, honesty, and faith in his peaceful instincts. Those who believe in God pray that no new war begins, and those who know your character remain hopeful that, while you are in the White House, war will not be imposed upon the American people or the world.

Yet history teaches us that peace requires all elements to work in harmony. One critical element—perhaps the most powerful one—still stands in opposition: entrenched special interests that do not share your vision of making America great through strength, independence, and moral clarity.

In the coming months, we will shift our efforts toward the media. We will seek investigative journalists—those courageous enough to ask serious questions, not only of you, but of Senators and Members of Congress. One simple question will be at the center of that inquiry:

Have you read the Constitution of the Islamic Republic of Iran?

If the answer is yes, then a second question must follow:

Have you not seen that this constitution is, in effect, a declaration of permanent hostility toward the United States? And if you have seen this, what is your response?

If the response is sanctions, then a third question becomes unavoidable:

Are you aware that forty-five years of traditional sanctions have made the Ayatollahs’ ruling oligarchy nearly one trillion dollars richer, while plunging more than seventy percent of the Iranian population into poverty?

The reality is that most Western policymakers—including Senators and Members of Congress—do not understand the governing principles of Shi’a clerical power, particularly the concept of “Khoms”—the mandatory one-fifth religious levy. We are prepared to educate them.

Publicly available information shows that, with the knowledge and approval of the Supreme Leader—under Articles 5 and 57 and 110 of the Iranian Constitution—the ruling clerical oligarchy has looted nearly one trillion dollars from Iran over the past decades. Under Shi'a doctrine, such theft can only be deemed religiously "legitimate" if one-fifth of it is delivered to the Supreme Leader.

Recent reporting by the BBC and statements by the British government reveal that Mojtaba Khamenei, the son of the Supreme Leader, along with his brothers and their agents—including Ali Ansari—transferred vast sums to the West. Mr. Ansari alone was linked to the collapse of Ayandegan Bank, after embezzling funds equal to nearly a full year of Iran's national budget—over one hundred billion dollars. Yet the sanctions imposed by Britain amounted to the seizure of a handful of properties worth approximately fifty million dollars, after which the case was quietly closed.

Mr. President, if the United States were to sanction even a fraction of these known and documented thefts—targeted, intelligent sanctions directed at the ruling families themselves—the Supreme Leader would be left with no option but to accept elections for a Constitutional Assembly.

Should that occur, the internal demands of the Iranian people—clearly expressed through years of protests, the sacrifice of thousands of lives and since 2019 (14 People Manifesto), the formal declarations of university professors (800 people and Mousavi manifesto), and the courageous public statements of Iranian women (17 women including Narges Mohammadi and Nasrin Sotudeh)—would finally be realized. The Iranian people would change their constitution themselves, without foreign interference.

In that scenario, America achieves its objective at no cost, no war, and no bloodshed.

History will then record a simple truth:

A free and democratic Iran is not America's enemy—it is America's natural ally.

With respect,
Sohrab Chamanara

ترجمه فارسی نامه 31 ژانویه 2026 به رئیس جمهور آمریکا

موضوع: درخواست نهایی محترمانه درباره ایران و یک پیروزی صلح‌آمیز برای آمریکا

جناب آقای رئیس‌جمهور،

من عمیقاً مفتخر، دلگرم و سپاسگزارم که با وجود مسئولیت‌های سنگین مقام ریاست‌جمهوری، وقت گران‌بهای خود را صرف خواندن و بررسی دیدگاه‌های آن دسته از هواداران «مگا» کرده‌اید که با حسن نیت، صداقت و احترام به شما می‌نویسند.

با نهایت احترام، این نامه آخرین تلاش مستقیم ما برای مکاتبه با جنابعالی درباره آن چیزی است که طی بیست سال گذشته همواره نه «مطالبه»، بلکه «دو درخواست اساسی» نامیده‌ایم.

از سر احترام به مقام ریاست‌جمهوری و کارنامه شما، آگاهانه از به کار بردن واژه «مطالبه» پرهیز می‌کنم. مردی که به پایان هشت جنگ کمک کرده است، شایسته آن است که با خویشتنداری، صداقت و اعتماد به سرشت صلح‌جویانه‌اش مورد خطاب قرار گیرد. مؤمنان دعا می‌کنند که جنگ تازه‌ای آغاز نشود، و آنان که قلب صلح طلب شما را می‌شناسند امیدوارند که تا زمانی که در کاخ سفید هستید، جنگی بر مردم آمریکا و جهان تحمیل نگردد.

با این حال، تاریخ به ما می‌آموزد که صلح تنها زمانی پایدار می‌ماند که همه عناصر در هماهنگی کامل عمل کنند. یک عنصر مهم - و شاید قدرتمندترین آن‌ها - همچنان در برابر این مسیر ایستاده است: منافع ریشه دار و خاصی که با دیدگاه شما برای عظمت آمریکا بر پایه قدرت، استقلال و شفافیت اخلاقی همسو نیستند.

در ماه‌های آینده، تلاش‌های خود را به سوی رسانه‌ها معطوف خواهیم کرد. ما به دنبال روزنامه‌نگاران تحقیقی خواهیم رفت؛ کسانی که شجاعت آن را دارند که پرسش‌های جدی را نه تنها از شما، بلکه از سناتورها و اعضای کنگره نیز مطرح کنند. یک پرسش ساده محور این تلاش خواهد بود:

آیا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را خوانده‌اید؟

اگر پاسخ مثبت است، پرسش دوم ناگزیر خواهد بود:

آیا ندیده‌اید که این قانون اساسی در عمل، اعلام دشمنی دائمی با آمریکا است؟ و اگر آن را دیده‌اید، پاسخ شما چیست؟

اگر پاسخ، تحریم است، آنگاه پرسش سوم اجتناب‌ناپذیر می‌شود:

آیا می‌دانید که چهل و پنج سال تحریم‌های سنتی، الیگارش‌ی حاکم آیت‌الله‌ها را نزدیک به یک تریلیون دلار ثروتمندتر کرده و در عین حال بیش از هفتاد درصد مردم ایران را به زیر خط فقر سوق داده است؟

واقعیت آن است که بیشتر سیاستمداران غربی، از جمله سناتورها و اعضای کنگره، شناختی از مبانی قدرت روحانیت شیعه ندارند، به ویژه مفهومی به نام «خمس» که به معنای یک پنجم است. ما آماده‌ایم این واقعیت‌ها را برای آنان روشن کنیم.

بر پایه اطلاعات در دسترس عموم، الیگارشی روحانی حاکم با آگاهی و تأیید رهبر جمهوری اسلامی - بر اساس اصول پنجم و پنجاه و هفت و یکصد و دهم قانون اساسی - طی دهه‌های گذشته نزدیک به یک تریلیون دلار از ثروت ایران را غارت کرده است. طبق فقه شیعه، چنین غارتی تنها زمانی می‌تواند «شرعی» تلقی شود که یک‌پنجم آن به ولی‌فقیه پرداخت گردد.

گزارش‌های اخیر رسانه بی‌بی‌سی و بیانیه‌های دولت بریتانیا نشان می‌دهد که مجتبی خامنه‌ای، فرزند رهبر جمهوری اسلامی، به همراه برادرانش و از طریق عوامل خود - از جمله علی انصاری - می‌بالت عظیمی را به غرب منتقل کرده‌اند. علی انصاری به تنهایی با اختلاس، موجب ورشکستگی بانک آینده‌گان شد؛ رقمی معادل بودجه یک سال کشور ایران، بیش از صد میلیارد دلار. با این حال، تحریم‌های اعمال‌شده از سوی بریتانیا به مصادره چند ملک به ارزش تقریبی پنجاه میلیون دلار محدود شد و پرونده عملاً بسته شد.

جناب آقای رئیس‌جمهور، اگر ایالات متحده تنها بخشی از این سرقت‌های شناخته‌شده و مستند را هدف تحریم‌های هوشمند و دقیق قرار دهد - تحریم‌هایی که مستقیماً خانواده‌های حاکم را نشانه بگیرد - رهبر جمهوری اسلامی ناچار خواهد شد با برگزاری انتخابات برای مجلس مؤسسان قانون اساسی موافقت کند.

در صورت تحقق این امر، مطالبات داخلی مردم ایران که طی سال‌ها اعتراض، با جان‌باختن هزاران نفر و از سال هزار و سیصد و نود و هشت تاکنون، با بیانیه‌های رسمی چهارده تن و استادان دانشگاه (هشتصد نفر با موسوی)، و با مواضع شجاعانه زنان (هفده خانم شامل نسرين ستوده و نرگس محمدی) بیان شده است، سرانجام به نتیجه خواهد رسید. مردم ایران بدون هیچ‌گونه مداخله خارجی، قانون اساسی خود را تغییر خواهند داد.

در چنین شرایطی، مأموریت با کمترین هزینه، بدون جنگ و بدون خون‌ریزی به انجام خواهد رسید.

تاریخ آنگاه یک حقیقت ساده را ثبت خواهد کرد:

ایران آزاد و دموکراتیک دشمن آمریکا نیست؛ بلکه متحد طبیعی آن است.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا